

## واکاوی ادله طهارت از حدث در استحاضه قلیله

مریم علیزاده<sup>۱</sup>، زهرا قلیله<sup>۲</sup>

### چکیده

مقاله حاضر ادله استحاضه قلیله از نظر طهارت از حدث را بررسی می‌کند. فقها در مورد وظایف مستحاضه قلیله نظریات متفاوتی را مطرح کرده‌اند. تشخیص استحاضه و وظایف خاص آن از دغدغه‌های بسیاری از بانوان است و موجب سختی روند زندگی می‌شود. تعیین یک خط مشی ساده برای تشخیص نوع استحاضه و وظیفه مربوطه می‌تواند کمک شایانی به جامعه زنان باشد. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با فیش برداری و پردازش اطلاعات به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. هدف نوشتار حاضر واکاوی فقهی و عرفی نظریات پیرامون استحاضه قلیله است. در آخر این موضوع مطرح می‌شود که وضو گرفتن بر قلیله واجب است، اما دلیلی بر تغییر پنبه نیست هرچند براساس قاعده میسور و بانوجه به طبع بشری، عموم زنان و عرف رایج بین زنان که قذارت دم درحال عبادت را شایسته بندگی ندانند به‌ویژه در نماز اول از صلاتین، رعایت احتیاط دور از بندگی نباشد در نتیجه از باب تخفیف نجاست، تعویض قطنه مستحب مؤکد است.

**واژگان کلیدی:** استحاضه، استحاضه قلیله، ثقب، طهارت، کرسف.

---

۱. دانش پژوه مقطع دکتری فقه مقارن، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

Email: alizadehmaryam001@gmail.com

۲. مربی و دبیر پژوهشی گروه علمی-تربیتی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی شهیده بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: zahrazahra1978@gmail.com

## ۱. مقدمه

یکی از وظایف مستحاضه قلیله تغییر قطنه است و چون نصی در تبدیل قطنه در کتب روایی دیده نشده است در نوشتار حاضر ادله فقهی این باب را بررسی می‌کند تا تکلیف طهارت از این حدث روشن شود. فتاوی‌ای علما از باب وظیفه زن در استحاضه قلیله متفاوت است. برخی فقط وضو را برای هر نماز واجب و برخی علاوه بر آن، تعویض پنبه و تطهیر را لازم می‌دانند. برخی نیز هیچ وظیفه‌ای بر این مستحاضه بار نکرده‌اند. از آنجاکه بیشتر بانوان در طول زندگی با مسئله استحاضه و دغدغه‌های پیرامون آن از نظر تشخیص نوع استحاضه و وظایف خاص آن روبه‌رو هستند و چه بسا با شرایطی مواجه شده‌اند که روند زندگی را برایشان سخت و طاقت‌فرسا کرده است به طوری که موجب خستگی از وضعیت لکه‌بینی و فرار از وظیفه شده است به نظر می‌رسد تعیین یک خط‌مشی ساده برای تشخیص نوع استحاضه و وظیفه مربوطه کمک شایانی به جامعه زنان باشد. مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که طهارت از حدث در استحاضه قلیله چگونه است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. استحاضه در لغت

استحاضه یعنی، پیوسته خون آمدن از زن بعد از ایام حیض و مستمر شدن بی‌نمازی پس از روزهای عادت. (دهخدا، ۱۳۱۰، ۱۳۳/۱). در اصطلاح به دمی که از زن خارج می‌شود و غیر از حیض، قرح و جرح است اگرچه استمرار نداشته باشد استحاضه می‌گویند (خویی، ۱۴۱۸، ۸/۱). دمی که بعد از ایام حیض و یا (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۱۵۲/۱). قبل از بلوغ باشد استحاضه گویند (حلی، ۱۴۰۷، ۲۴۲/۱). بسیاری از فقها استحاضه را به سه قسم: قلیله، متوسطه و کثیره تقسیم کرده‌اند و صفات عامی را برای آن بیان می‌کنند مانند «الأغلب أصفربارد رقیق» (طوسی، ۱۴۰۸، ص ۵۹؛ حلی، ۱۴۱۸، ۱۰/۱؛ حلی، ۱۴۱۲، ۴۰۹/۲؛ ابن براج الطرابلسی، ۱۴۰۶، ۳۸/۱). گاه استحاضه به صفات حیض دیده می‌شود و همین بیانگر این حقیقت است که این صفات از مقومات استحاضه نیست.



## ۲-۲. ثقب

ثقب به معنای نفوذ کردن در چیزی است. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۱۷/۲). اسم برای چیزی که نفوذ می‌کند، است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۳۹/۱). ثَقْبٌ به معنای نفوذ، پاره کردن است و نجم ثاقب یعنی، ستاره نورانی (قرشی، ۱۴۱۲، ۳۰۵/۱). «امْرَأَةٌ ثَقِيْبَةٌ؛ زنی که خون ریزی شدید دارد» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱۳۹/۵).

## ۲-۳. کرسف

کرسف به معنای قطن و پنبه است. (فیومی، بی تا، ۵۳۰/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۹۷/۹). کرسف به معنای پنبه و وصف برای لباس است (جزری، بی تا، ۱۶۳/۴).

## ۳. ویژگی‌های استحاضه قلیله

اگر خون استحاضه در حد لکه‌بینی باشد به طوری که خون به پنبه فرونرفته و فقط سطح رویی پنبه را آلوده کند به آن قلیله گویند. تعابیر مختلفی در کتب فقها در بیان صفت استحاضه قلیله بیان شده است از جمله: عدم الثقب (طوسی، ۱۴۰۷، ۲۴۹/۱؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ۹۹/۱). و عدم الظهور علی القطنه (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۴۰۹/۲). لطحه به معنای کثیف شدن (محقق حلی، ۱۴۱۸، ۱۱/۱). و عدم الرشح (دیلیمی، ۱۴۰۴، ص ۴۴؛ طوسی، ۱۴۰۸، ص ۶۱؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۷؛ واسطی، ۱۴۱۴، ۵۰/۴). به معنای تر کردن است. «ظهور علی الکرسف و لم یغمسها» (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۳۳۹/۱). غیر غمس و یا لم تغمس و لم یسل» (شبیری، ۱۴۲۸، ص ۹۰؛ یزدی، ۱۴۰۹، ۳۵۱/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳۷۱/۱؛ اسکافی، ۱۴۱۶، ص ۳۴). غمس در لغت به معنای فرورفتن است (جوهری، ۱۴۱۰، ۹۵۶/۳). می‌توان گفت که همه علما یک معنای عام و سلبی که با غیر و عدم به کار گرفته شده است در تشخیص استحاضه قلیله در نظر گرفته‌اند که حکایت از فرورفتن خون در پنبه‌ای است که زن به دلیل اختبار در رحم می‌گذارد. در نتیجه اگر دمی از رحم زن خارج شده و ظهور بر کرسف کند به حدی که به درون پنبه نفوذ نکند زن مستحاضه قلیله است.

#### ۴. وظایف مستحاضه قلیله

از دیدگاه مشهور، خون قلیل، حدث محسوب می‌شود و حتی برخی ادعای اجماع کرده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳۷۴/۱). در نتیجه طهارت از آن نیاز به وظایف خاصه دارد. متقدمین وظیفه زن را تعویض پنبه و تجدید وضو برای هر نماز دانسته‌اند، ولی بیشتر متأخرین (خویی، ۱۴۱۸، ۲۰/۸؛ بحرانی ۱۴۰۵، ۲۷۹/۳). و همچنین علمای معاصر مانند آیت‌الله سیستانی و مکارم شیرازی تبدیل قطنه را مستحب شمرده‌اند و دیدگاه، غیرمشهور و نادر نظریه ابن عقیل است. وی دم قلیله را حدث نمی‌داند. بنابراین، وظیفه‌ای برای مستحاضه به دم قلیله نشمرده است (ابن عقیل، ۱۴۰۶، ص ۱۰).



#### ۵. نظریه‌ها پیرامون استحاضه قلیله

##### ۵-۱. نظریه مشهور

از دیدگاه مشهور، وظایف مستحاضه قلیله دو امر است: یکی، تغییر یا تبدیل قطنه و وضو برای شروع نماز هر چند اگر زن در اثناء نماز آلوده شود و وظایف تحفظش را انجام داده باشد. این لک‌بینی در اثنای نماز، مخل نماز او نیست؛ زیرا مثل مسلوس و مبطون است که هنگام صلاة نقض طهارت نمی‌کند.

##### ۵-۱-۱. وجوب تبدیل قطنه

در مورد تبدیل قطنه در استحاضه قلیله هیچ نصی در دست نیست و فقط شهرت فتوایی و معروف بین اصحاب است.

اجماع: قول مشهور است نقلاً و تحصیلاً. (جوهری، ۱۴۲۱، ص ۲۲۶) و ظاهراً مسئله اجماعی است (المرتضی، ۱۴۱۷، ص ۱۴۸). و در این مسئله بین علما خلافتی مطرح نیست (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۴۰۹/۲). در بررسی دلیل اجماع باید گفت: اول، این اجماع غیرمتحقق است؛ زیرا بیشتر متأخرین مانند صاحب حدائق که به طور صریح می‌فرماید: «تغییر قطنه نمی‌خواهد» در کشف اللثام ظاهر قول صدوقین و قاضی ابن براج را عدم تغییر قطنه دانسته و قائل هستند که دلیلی بر آن به دست نیامده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۱۴۸/۲). به نظر می‌رسد چون ایشان در متوسطه و

کثیره هم متعرض تغییر قطنه نشده‌اند در مقام بیان این وظیفه نبوده‌اند؛ زیرا اگر فقط در قلیله، متعرض تغییر قطنه می‌شدند می‌شد گفت که چون در روایات نبوده است و ائمه فقط حکم وضو داده‌اند، اما چون در اقسام دیگر هم متعرض این حکم نشده‌اند، نمی‌توان به قطع و یقین گفت که ایشان نظرشان عدم تعویض پنبه است و با آنکه این اجماع کاشف از قول معصوم نیست و چه بسا مدرکی یا محتمل‌المدرک باشد.

-ملحق کردن خون استحاضه به حیض در غیرمعمو بودن: از خون حیض و استحاضه در نماز نمی‌توان گذشت چون هردو خون از رحم هستند. خون استحاضه به دم حیض ملحق است و معموف نیست برخلاف سایر خون‌ها که به اندازه یک سکه معموف است و قطنه باید عوض شود، اما مناقشاتی به این دلیل می‌توان وارد کرد از جمله: خوبی می‌گوید: «باتوجه به آنکه در بطلان صلات به خون استحاضه نصی نیست و تنها روایتی که دلالت بر بطلان نماز دارد باوجود دم حیض ضعف سند به ابن سعید مکاری دارد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۳۲/۳)، پس روایت دال بر عدم معموف بودن خون حیض ضعیف است و تام نیست چه برسد که مدعی الحاق خون، استحاضه به آن شد» (خویی، ۱۴۱۸، ۱/۸). در پاسخ باید گفت از آنجا که بسیاری از شاگردان و کسانی که از ابی سعید مکاری نقل حدیث داشته‌اند همه امامی، ثقه و جلیل‌القدر هستند و احادیث زیادی از ایشان نقل کرده‌اند مانند صیرفی، ابی نصر بزنتی، صفوان بن یحیی از باب کثرت نقل اجلا، وی توثیق عام دارد و به نظر می‌رسد مشهور هم با تمسک به این روایت به تبدیل قطنه فتوا داده‌اند. درنتیجه، براساس مدلول مطابقی روایت اگر در نماز، خون کمی دیده شود نیاز به اعاده نیست مگر از خون حیض باشد که کم و زیادش چه به چشم آید چه نیاید مانع نماز و دلالت تام است.

مناقشه دوم: اگر از این مدعی صرف‌نظر شود که نصوص، خون استحاضه را مثل حیض دانسته‌اند، اما براساس مقتضای روایات، خون در لباس‌های کوچک مثل کلاه جوراب که: «مالاتتم فیہ الصلاة» است، معموف است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۵۶/۳)؛ زیرا پنبه از قبیل البسه مالاتتم است و متنجس بودنش مانعی ندارد. در پاسخ باید گفت: «در صورتی تمام است که در تعارض با روایات دیگر نباشد درحالی که دسته‌ای دیگر از روایات می‌گویند که خون حیض و ملحقات آن موجب

بطلان نماز است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۳۲/۳). دو روایت در تعارض هستند و در رفع تعارض برخی به دلیل اقوا بودن شمولیت ادات عموم بر شمولیت اطلاق روایات دسته اول را ترجیح داده‌اند. بنابراین، روایات مالا تتم مقدم است و در نتیجه زن نیاز به عوض کردن پنبه ندارد. اگر کسی این ترجیح را نپذیرفت و مناقشه کرد که عموم در کل از نظر افراد لباس است و نظر به نجاست ندارد و در نتیجه نمی‌تواند شمول در هر نجاستی داشته باشد دو دسته روایت ساقط شده و رجوع به عام مافوق می‌شود که روایاتی است که به طور مطلق، خون کمتر از یک درهم را معفو دانسته است چه حیض باشد یا دیگر خون‌ها که در قلیله چنین است. (خویی، ۱۴۱۸، ۱۸/۸) به نظر می‌رسد نمی‌توان به عام مافوق رجوع کرد؛ زیرا روایاتی که خوبی در قالب مافوق به آن استناد کرده است از سنخ روایات دسته دوم است و گروه جداگانه‌ای نیست، پس نمی‌توان آن را مافوق قرار داد.

- مناقشه سوم: حتی اگر پذیرفته شود استحاضه قلیله مانند کثیره، مانع صلاة است و فرقی بین لباس ماتم فیه صلاة و مالاتم نیست باز نمی‌توان استدلال کرد که تغییر قطنه واجب باشد؛ زیرا قطنه محموله متنجس است مثل پنبه و دستمال و... و محمول متنجس هر چند به دم استحاضه، مانع از صلاة نیست؛ زیرا نماز در قطنه خواندن بر آن صدق نمی‌کند به‌ویژه اگر باطنی باشد. (خویی، ۱۴۱۸، ۱۸/۸)

- مناقشه چهارم: حتی اگر از اشکال سوم هم چشم‌پوشی شود باید گفت تغییر قطنه در ماتحن فیه لغو است؛ زیرا خون در محل است تا پنبه عوض شود دوباره آلوده می‌شود و پنبه آغشته به خون باعث بطلان نماز است، پس این پنبه جدید هم همین حکم را دارد. اصحاب ملحق کرده‌اند که دم استحاضه به دم حیض در غیرمعفو بودن تمام نیست. (خویی، ۱۴۱۸، ۱۸/۸). این مناقشه پذیرفته نیست؛ زیرا وقتی دم، قلیله باشد خیلی آلودگی نمی‌آورد طوری که با تعویض پنبه دوباره بخواند آلوده شود تا اشکال لغویت به تعویض قطنه مطرح شود.

- وجود نص در مسئله وجوب تبدیل قطنه در استحاضه کثیره و متوسطه و عدم امکان تفکیک بین اقسام استحاضه: «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِذَا مَكَثَتِ الْمَرْأَةُ عَشْرَةَ أَيَّامٍ تَرَى الدَّمَ - ثُمَّ طَهَّرَتْ فَمَكَثَتْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ظَاهِرًا - ثُمَّ رَأَتْ الدَّمَ بَعْدَ ذَلِكَ أَتْمَسِكُ مِنَ الصَّلَاةِ - قَالَ لَا هَذِهِ مُسْتَحَاضَةٌ تُغْتَسَلُ - وَ

تَسْتَدْخِلُ قُطْنَةً (بَعْدَ قُطْنَةٍ) وَ تَجْمَعُ بَيْنَ صَلَاتَيْنِ بِغُسْلٍ وَ يَأْتِيهَا زَوْجُهَا إِنْ أَرَادَ؛ به ابوالحسن عليه السلام گفتیم: هرگاه زن درنگ کند و ده روز خون ببیند، سپس پاك شود و سه روز در پاکی درنگ نماید و پس از آن خون ببیند آیا باید نماز نخواند. فرمود: نه، این زن مستحاضه است و باید غسل کند و از پنبه‌های متعدد استفاده کند و بین دو نماز را با يك غسل جمع کند و اگر شوهرش بخواهد، می‌تواند با او نزدیکی کند». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳/۳۷۲)

روایت صحیحه است از کلینی که اوثق الناس فی الحدیث توصیف شده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۷۸)، از فضل بن شاذان النیسابوری به کان ثقة احد اصحابنا الفقها والمتکلمین توصیف شده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۰۷)، از صفوان بن یحیى البجلی که از اصحاب الاجماع توصیف شده است (طوسی، بی‌تا، ص ۳۳۸). «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: الْمُسْتَحَاضَةُ تَقْعُدُ أَيَّامَ قُرْبَاهَا- ثُمَّ تَحْتَاطُ بِيَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ- فَإِنْ هِيَ رَأَتْ طُحْرًا اغْتَسَلَتْ- وَإِنْ هِيَ لَمْ تَرَ طُحْرًا اغْتَسَلَتْ وَ اخْتَشَتْ- فَلَا تَزَالُ تُصَلِّي بِدَلِكِ الْغُسْلِ- حَتَّى يَظْهَرَ الدَّمُ عَلَى الْكُرْسُفِ- فَإِذَا ظَهَرَ أَعَادَتِ الْغُسْلَ وَ أَعَادَتِ الْكُرْسُفَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳/۳۷۵). شیخ طوسی به اسنادش از حسین بن سعید اهوازی که ثقة توصیف شده است (طوسی، بی‌تا، ص ۱۵۰)، از قاسم بن محمد جوهری (طوسی، بی‌تا، ص ۳۴۲) که مرحوم خوئی سند این روایت را ضعیف دانسته است، اما به دلیل اکثار اجلا چون حسن بن سعید و حسین سعید اهوازی خالد برقی ضعف سند جبران شده است. مابقی افراد سند هم از ثقات هستند. در تقریب استدلال به هردو روایت باید گفت: ادله به طور صحیح دلالت دارند که وظیفه مستحاضه کثیره و قلیله تبدیل قطنه است و چون فرقی بین اقسام استحاضه از نظر حدت نیست و نمی‌توان در اقسام استحاضه تفکیک قائل شد در نتیجه در دم قلیله تعویض پنبه واجب است در جواب بیان می‌شود. اول، تسری دادن وظیفه مستحاضه کثیره به قلیله بدون دلیل، وجهی ندارد؛ زیرا امام امر به تعویض پنبه را در موقع غسل کردن داده است. دوم، به کدام ملازمه عقلی حکم کثیره برای قلیله ثابت شده است با اینکه احکام این دو متفاوت است. حکم مستحاضه قلیله در دخول و مرور از مسجد جواز است برخلاف کثیره که احکامش اختلافی است. به همین دلیل مرحوم شیخ در کتاب الطهاره فرمود: «استحاضه قلیله اخف از نظر حدت و خبت

است و شاید نیاز به تغییر قطنه نباشد. بنابراین، این ادعا که نمی‌توان بین اقسام استحاضه تفکیک قائل شد، مندرفع است. بآنکه اگر تبدیل قطنه واجب بود معصوم به آن اشاره می‌کرد؛ زیرا در مقام بیان مسائل زنان بودند، پس سکوت ائمه و عدم تعرض آنها به این مسئله دلیل بر عدم وجوب تعقیر قطنه است و هیچ دلیلی بر تبدیل قطنه نیست هر چند طبع عموم زنان و عرف رایج که قذارت دم را هنگام عبادت و بندگی نپذیرفته و درصدد طهارت از آلودگی هستند به‌ویژه نماز اول از صلاتین و باتوجه به اینکه هیچ نص و دلیلی جز مسئله محموله متنجس پذیرفته نشد رعایت احتیاط دور از بندگی نیست. چه بسا سکوت ائمه در این مورد نشانه مفروض عنه بودن همین عرف باشد. در نتیجه از باب تخفیف نجاست، تعویض قطنه مستحب است؛ زیرا نماز با خون کمتر خوانده می‌شود» (آقارضا همدانی، بی تا، ۲۷۸/۱).

- وجوب وضو برای هر نماز: در مسئله وجوب وضو هیچ اختلاف نظری نیست و قول مشهور و اعظم فقها این است که زن مستحاضه باید وضو بگیرد؛ زیرا استحاضه، حدث محسوب می‌شود، ولی در این مسئله نظر ابن ابی عقیل و ابن ابی جنید متفاوت است. نکته قابل توجه اینکه کتب این دو عالم بزرگوار موجود نیست، بلکه نظریات ایشان در کتب دیگر نقل شده و به ایشان نسبت داده شده است از جمله در المختلف. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳۷۲/۱)

## ۵-۲. نظریه ابن عقیل

### ۵-۲-۱. تبیین نظریه

ابن عقیل استحاضه قلیله را از احداث نمی‌داند و قائل است که اگر دم استحاضه ظهور بر کرسف کند وظیفه زن غسل کردن و با یک وضو دو نماز را جمع کردن است. اگر هم کرسف را سوراخ نکرد زن نه غسل دارد و نه وضو (ابن ابی عقیل، ۱۴۰۶، ص ۱۰). در واقع حکمش در کثیره مثل سایر فقهاست. برای قلیله هیچ حکم فقهی در نظر نگرفته است؛ زیرا معتقد است اخباراتی که برای مستحاضه قلیله حکم به وجوب وضو داده‌اند از نظر سایر احداث است نه از نظر وظیفه خاصه در نوع استحاضه زن. به عبارتی منظور امام همان وضویی است که در صورت وجود



حدثی مانند نوم، بول و... واجب شده بود و هنگام نماز باید وضو می‌گرفت نه وضوی زائد که خاص حدث دم قلیله باشد.

#### اول) مستندات ابن ابی عقیل

- عدم ذکر دم استحاضه در اخبار وارد در حصر نواقض وضو: استحاضه جزو نواقض وضو نیست. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۴۹/۱) در پاسخ می‌توان گفت که غایت آنچه از حدیث به دست می‌آید این است که امام در مقام بیان بوده، اما از گفتن وضو سکوت کرده است، اما مانعی نیست که دست از اطلاق روایت ناقضه به اخبار معتبره که دلالت دارد بر اینکه استحاضه ناقض وضو است، برداشته شود مانند صحیحہ نعیم بن صحاف و صحیحہ معاویه بن عمار به آن پرداخته شده است. روایات ناقض وضو درصدد بیان نواقض عام که ممکن است برای هرکسی پیش آید و مختص به طایفه خاصی نیست بوده است و حضرت در مقام بیان نواقضی که ویژه زنان است، نبوده به‌ویژه که سائل مرد است.

#### - وجود روایات دال بر عدم وجوب وضو

«عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ التُّفْسَاءُ مَتَى تُصَلِّي فَقَالَ تَقْعُدُ بِقَدْرِ حَيْضِهَا وَتَسْتَظْهَرُ بِيَوْمَيْنِ فَإِنْ انْقَطَعَ الدَّمُ وَالْأَغْتَسَلْتَ وَاحْتَشَشْتَ وَاسْتَنْفَرْتَ وَصَلَّتْ وَإِنْ لَمْ يَجِرِ الدَّمُ الْكُرْسُفَ صَلَّتْ بِغُسْلٍ وَاحِدٍ قُلْتُ وَالْحَائِضُ قَالَ مِثْلُ ذَلِكَ سِوَاءَ فَإِنْ انْقَطَعَ عَنْهَا الدَّمُ وَالْإِلا فَيُحِي مُسْتَحَاضَةً تَصْنَعُ مِثْلَ التُّفْسَاءِ سِوَاءَ ثُمَّ تُصَلِّي؛ زرارہ گوید: بہ امام گفتم: زن زائو کی باید نماز بخواند؟ فرمود: باید بہ اندازہ دوران حیض خود دوران قاعدگی قرار دہد و نماز را ترک کند و دو روز استظہار کند. اگر خون ریزی قطع شد کہ خوب و اگر قطع نشد باید غسل کند، پنبہ ای استفادہ کند و پارچہ ای بر آن ببندد و نماز بخواند. اگر خون از پنبہ نگذرد ہمہ را بہ یک غسل بخواند. گفتم: حکم زن حائض چیست؟ فرمود: مانند ہمین زن است، پس اگر خون ریزی قطع شود کہ خوب، ولی اگر قطع نشد او مستحاضہ است و مانند زن زائو عمل نماید، سپس نماز بخواند». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۷۳/۲)

محمد بن یعقوب کلینی از عده‌ای از اصحاب امامیه از احمد بن محمد بن عیسی‌ الاشعری که به ثقة له کتاب توصیف شده است (طوسی، ۱۴۱۸، ص ۳۵۱)، از علی بن ابراهیم بن هاشم که ثقة هستند (نجاشی، ۱۴۰۷، ۲۶۰)، از پدرش ابراهیم بن هاشم از محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری که هر دو ی ایشان امامی و ثقة هستند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۶)، از فضل بن شاذان نیشابوری که امامی و ثقة است، از حماد بن عیسی الجحنی رضی الله عنه. که از اصحاب اجماع است، از حریر بن عبدالله سجستانی که امامی و ثقة هستند، از زراره بن اعین الشیبانی که ایشان نیز به امامی ثقة جلیل من اصحاب اجماع توصیف شده است. بنابراین، سند این روایت صحیح است با تفصیلی که حضرت در پاسخ به سؤال داده است درحالی که در مقام بیان بوده، اما متعرض وضو نشده است، پس وضو بر مستحاضه واجب نیست و این بدین معناست که گویی ایشان دم قلیله را حدث نمی‌داند (خویی، ۱۴۱۸، ۵۴/۸).

در موثقه اسماعیل حضرت به زن مستحاضه مادامی که دمش بر کرسف ظاهر نشده است هیچ چیزی بر او نیست، بلکه نماز بخواند با همان غسلی که از حیض داشته و بعد از تجاوز دم، امر به غسل نموده و حرفی از وضو نشده، پس وضو واجب نیست، اما دلالت این روایت مخدوش است. روایت درصدد بیان آن است که زن مستحاضه بعد از غسل حیضش مادامی که دم بر کرسف ظاهر نشده باشد هیچ غسل دیگری ندارد، اما در مورد اینکه وضو واجب است یا خیر شکوت دارد و امام در مقام بیان اینکه اگر قلیله بود چه کند، نیست. همچنین ظهر اگر با حرف علی متعدی شود به معنای فرورفتن و مشخصه استحاضه متوسطه است و اگر با حرف عن متعدی شود به معنای تجاوز از قطنه و مشخصه استحاضه کثیره است. ابن عقیل، ظهر را تجاوز معنا می‌کند درحالی که باید انغماض و فرورفتن معنا شود؛ زیرا با حرف علی متعدی شده است. براساس مبنای ابن عقیل، زن مستحاضه مادامی که دمش تجاوز نکرده است، غسل ندارد و درصورت تجاوز دم، غسل استحاضه بر زن واجب می‌شود. در روایت از وضو حرفی زده نشده است. بر همین اساس ایشان فقط برای زن مستحاضه یک حکم دارد یا تجاوز دم و غسل و یا زن



ذمه اش بری از وظایف مطوحه پیرامون استحاضه است؛ زیرا با دم قلیله حدثی رخ نداده است.  
(خویی، ۱۴۱۸، ۵۴/۸)

#### دوم) بررسی ادله ابن عقیل

در پاسخ به ادعای ایشان باید گفت که امام در اینجا درصدد بیان حکم استحاضه قلیله نبوده است تا متعرض بحث وضو شود، بلکه روایت در بیان آن است که در چه صورتی غسل بر زن واجب است. امام در مقام بیان متوسطه و کثیره از نظر وجوب غسل بوده است نه بیان وظایف استحاضه قلیله. بنابراین، لزومی نداشت تا از احکامش سخن آورد. علت آنکه روایت متعرض وضو نشده است براساس مبنای کسانی که غسل را مجزی از وضو می‌دانند این است که چون امام درصدد بیان حکم استحاضه قلیله نبوده و در مقام بیان استحاضه متوسطه و کثیره است و غسل هم مجزی از وضو است، پس دیگر وضوی واجب نیست تا بیان شود.

#### ۵-۳. نظریه ابن جنید

#### ۵-۳-۱. تبیین نظریه

ابن جنید دو حالت برای استحاضه قرار داده است: کثیره و قلیله. ایشان معتقد است اگر دم استحاضه پنبه را سوارخ و از پنبه تجاوز کند بر زن سه غسل واجب است و اگر تجاوز نکرد چه ثقف باشد چه نباشد برای زن در طول شبانه روز یک غسل واجب است و به دو روایت استدلال کرده است. (اسکافی، ۱۴۱۶، ص ۳۴)

#### اول) ادله ابن جنید بر عدم وجوب وضو

- موثقه سماعه: «عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ: الْمُسْتَحَاضَةُ إِذَا تَقَبَّ الدَّمَ الْكُرْسُفَ اغْتَسَلَتْ لِكُلِّ صَلَاتَيْنِ وَ لِفَجْرِ غُسْلًا وَ إِن لَمْ يَجْزِ الدَّمَ الْكُرْسُفَ - فَعَلَيْهَا الْغُسْلُ لِكُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً وَ الْوُضُوءُ لِكُلِّ صَلَاةٍ هَذَا إِنْ كَانَ دَمُهَا عَيْبَطًا وَ إِن كَانَتْ صُفْرَةً فَعَلَيْهَا الْوُضُوءُ؛ سماعه گوید: امام ع فرمود: در مستحاضه اگر خون او از پنبه ای بگذرد برای هردو نماز و نماز صبح هرکدام يك غسل کند و اگر خون از پنبه نگذرد در هر روز يك غسل و برای هر نماز، وضویی برعهده اوست و این در صورتی

است که خون او تازه باشد و اگر خون زردی بود برعهده اوست که وضو بگیرد». (عاملی، ۱۴۰۹، ۳۷۴/۲) مرحوم کلینی از محمد بن یحیی عطار که ثقة است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۳)، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب که امامی و ثقة است (طوسی، بی تا، ص ۴۰۰)، از عثمان بن عیسی الکلابی که غیرامامی بود، سپس امامی می شود و این نمی تواند ضعف سند باشد به ویژه که اجلاز وی نقل کرده اند (رجال کشی، ۱۴۰۹، ص ۵۹۸)، از سماعه بن مهران که امامی و ثقة است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۹۳). بنابراین، سند صحیح است.



این روایت می گوید: «اگر کثرت دم موجب تجاوز از پنبه شود زن باید برای هر نماز، غسل کند و اگر دم تجاوز نکرد به دلیل اطلاق: «ان لم یجز الدم الکرسف»؛ یعنی تا زمانی که دم تجاوز نکرده یک غسل در شبانه روز کافی است و امام متعرض استحاضه ای که بر او وضو واجب باشد، نشده است و شمول کل در: «لکل یوم مره» برای حالتی که ثقب کرسف شده که متوسطه باشد یا نشده که همان قلیله باشد را بیان کرده است، پس اگر خون آغشته شده و از آن طرف بیرون زده و نمایان است سه غسل در طول روز بر زن واجب است. اگر تجاوز از آن طرف نمی کند دیگر چه کم چه زیاد زن باید یک غسل کند تا از حدت رها شود. در اینجا هم حضرت متعرض وضو نشده است و فقط بحث غسل را می گوید و چون روایت اطلاق دارد دائر بین این دو است ثقب و عدم ثقب، پس وضو واجب نیست.

- صحیح زراره: در بررسی دلالتی به این صحیح که در صفحه ۱۲ آمده باید گفت این روایت هم مثل موثقه سماعه از ناحیه عدم تجاوز از کرسف اطلاق دارد؛ یعنی تا زمانی که خون از پنبه تجاوز نکرده است چه ثقبی صورت گرفته باشد چه نگرفته باشد یک غسل در شبانه روز و اگر تجاوز کرد سه غسل بر زن واجب است. در مورد استحاضه ای که بر او واجب باشد وضو برای هر نمازش حرفی به میان نیامده است که فقها در حالت ثقب و عدم تجاوز به آن حکم داده اند. (اسکافی، ۱۴۱۶)

- واکاوی دلیل ابن جنید: ابن جنید مدعی اطلاق است؛ یعنی هر خونی وضو لازم ندارد در حالی که این را امام نفرموده است؛ زیرا روایت صریح بیان می کند در صورت زرد بودن و غیرعبیط بودن، فقط وضو واجب است که همان حکم استحاضه قلیله است، پس استدلال وی متقن نیست. (ر.ک؛

درس خارج کاظم مصطفوی). موثقہ سماعہ مثل روایت پیشین امام درمقام بیان مسئلہ غسل است و متعرض بحث استحاضہ‌ای کہ وظیفہ اش وضو است، نشدہ است با ہمان تقریب کہ گذشت. همچنین اگر مراد ابن جنید این باشد کہ خون استحاضہ چہ عبیط باشد و چہ اصفر، وضو واجب نیست این فرض بہ موثقہ سماعہ پیشین دفع می‌شود؛ زیرا صریح بیان کردہ است کہ این حکم برای دمی است کہ عبیط باشد (اشارہ بہ دم احمر و اسود). روایت اشارہ دارد کہ اگر عبیط نبود جز وضو بر زن چیز دیگری نیست کہ بہ صراحت اشارہ دارد کہ در دم زردرنگ وظیفہ زن وضو است، پس موثقہ‌ای کہ دلیل مدعای ابن جنید بود با آن خلاف ادعایش ثابت شد. (درس خارج کاظم مصطفوی)

براساس این دو روایت، زن در استحاضہ دونوع خون می‌بیند: دم ثاقب و متجاوز. وظیفہ زن ۳ غسل در شبانہ روز است و دمی کہ تجاوز نکرده است یک غسل در شبانہ روز دارد و در مورد دم تجاوز نکرده کلام اطلاق دارد و ثقب و عدم ثقب را شامل می‌شود. ابن جنید مدعی است کہ دم چہ قلیل باشد بہ حدی کہ فرونرود و چہ متوسطہ کہ فرورود تا زمانی کہ تجاوز نکرده است فقط یک غسل دارد. بنابراین، دونوع تقسیم‌بندی در استحاضہ است. در پاسخ این کلام باید گفت: «اگر مراد شما لایجب الوضو در دم احمر و اصفر است کہ این فرضیہ بہ روایت موثقہ سماعہ دفع می‌شود؛ زیرا صراحت در وجوب وضو در صورت صفرہ بودن دارد، پس خلاف مدعای شماست. اگر ہم ارادہ کردہ اید از استحاضہ فقط دم عبیط را کہ ۲ قسم دارد و نہ سه قسم و در ہردو وجوب غسل است و نہ وضو بہ تنہایی و قسم سوم ندارد، این حرف دیگری است. شبیہ کلام مرحوم آخوند است کہ متعرض حرف مشہور شدہ است کہ چرا مشہور فقہا تقسیم‌بندی استحاضہ را براساس قله و کثرہ زدہ‌اند؛ زیرا براساس روایات، دم اگر احمر و اسود باشد بر زن غسل واجب است و دم در صورت عبیط بودن وضو بر او تعین پیدا نمی‌کند و اگر زرد باشد وضو واجب است.

این دو روایت درمقام این نیستند کہ حکم استحاضہ را براساس رنگ و اختلاف کیفیت لون بیان کنند کہ اگر احمر اسود بود غسل و اگر اصفر بود وضو متعین شود. روایت درصدد بیان حکم دم استحاضہ است بہ اختلاف کمیت دم کہ اگر زیاد بود بہ طوری کہ پنبہ را سوراخ کرد و بیرون زد

اغسال ثلاثه دارد و اگر آن قدر زیاد نبود که تجاوز کند از پنبه و بیرون بزند و به اصطلاح متوسطه بود یک غسل دارد و اگر قلیل بود به مقداری که از عوارض حساب شود و دم شمرده نشود هرچند احمر و اسود هم باشد و به دلیل قلتش، سوراخ هم نکند وضو به تنهای برای طهارت از حدث کافی است و واجب می شود. مراد از صفره که در ذیل آمده دم کمی است هرچند رنگ آن احمر باشد. در مسئله استحاضه، رنگ موضوعیت ندارد، بلکه کیفیت، غلظت و کثرت خون ملاک نام گذاری است. برای این حرف ۲ شاهد مثال آورده اند: (درس خارج کاظم مصطفوی)



شاهد اول: براساس روایت سماعه، خون اگر ثقب و تجاوز کند ۳ غسل و ثقب و عدم تجاوز یک غسل واجب است و اگر قلیل باشد فقط وضو بر زن واجب است و ظاهر تعبیر به صفره که به صورت نکره آمده است در ذیل موثقه سماعه بیانگر همین مسئله است؛ یعنی نه هر مقدار خون زردی که حرف آخوند شود و رنگ ملاک باشد، بلکه یک زردی رنگ از اعراض است نه جوهر. حضرت می فرماید: «حالا که زردی کم بود فقط وضو که همان وظیفه استحاضه قلیله است». در این روایت، حضرت هر سه قسم استحاضه را بیان کرده است: «اذا ثقب الدم الكرسف» که اشاره به استحاضه کثیره دارد: «وان لم یجز الدم الكرسف» که مشیر به استحاضه متوسطه است: «وان کان صفره فعلیها الوضو» که بیانگر وظیفه استحاضه قلیله است.

شاهد دوم: اگر روایت در مقام بیان تقسیم دم به حسب کیفیت و لون بود باید متعرض دم احمر در دو صورت می شد: دمی که ثقف کرسف دارد (عدم تجاوزه، مع تجاوزه) و دمی که عدم الثقف است. حال که متعرض نشده است یعنی، امام در مقام بیان همه موارد نیست. براساس آنچه مشهور مدعی است که روایت در صدد بیان کمیت دم هست و ملاک قله و کثره باشد خب کامل بیان شده در ذیل و صدر: کثیر (تجاوز: ثلاث اغسال) و (عدم تجاوز: اغسل یومياً) و در صورت قلیل بودن دم فقط وجوب وضو متعین است. حتی اگر صحیح باشد کلام امام ظهور در اطلاق دارد و به قرینه روایات کثیره که از جمله نعیم بن صحاف، محمد بن مسلم، معاویه بن عمار دست از اطلاق برداشته و گفته می شود این روایات تقیید خورده اند و دم غیر ثاقب را حکمش جای دیگری بیان شده است. (جواهری، ۱۴۲۱، ص ۳۱۸). در ذیل روایت، حضرت به صراحت می گوید که

نماز از زن ترک نمی شود. از طرفی دم مثل منی و بول از نجاسات است. وقتی نجاستی از زن خارج شده است یعنی، حدث واقع شده و چون نماز باید با طهارت از حدث و خبث اتیان شود وجوب وضو متعین است (خویی، ۱۴۱۸).

#### ۴-۵. نظریه مختار در مسئله وجوب وضو

۴-۵-۱. روایات

زن مستحاضه قلیله برای رفع از حدث قلیله واجب است برای هر نماز وضو بگیرد. مشیر به این فتوا ادله ای هستند که از نظر سند، صحیح و از نظر دلالت، تام هستند.

- صحیحہ نعیم بن صحاف: «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ أُمَّ وَلَدِي تَرَى الدَّمَ وَ هِيَ حَامِلٌ - كَيْفَ تَصْنَعُ بِالصَّلَاةِ - قَالَ فَقَالَ لِي إِذَا رَأَتْ الْحَامِلُ الدَّمَ - بَعْدَ مَا يَمْضِي عَشْرُونَ يَوْمًا - مِنَ الْوَقْتِ الَّذِي كَانَتْ تَرَى فِيهِ الدَّمَ مِنَ الشَّهْرِ - الَّذِي كَانَتْ تَقْعُدُ فِيهِ - فَإِنَّ ذَلِكَ لَيْسَ مِنَ الرَّحِمِ وَلَا مِنَ الظَّمْثِ - فَلْتَتَوَضَّأْ وَ تَحْتَشِي بِكُرْسُفٍ وَ تُصَلِّ». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۷۴/۲)

در روایت دیگر می فرماید: « فَإِنْ طَرَحَتِ الْكُرْسُفَ عَنْهَا فَسَأَلَ الدَّمَ وَجَبَ عَلَيْهَا الْغُسْلُ ». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۷۴/۲) روایت، صحیحہ است و کلینی از محمد بن یحیی عطار که نجاشی به شیخ فی اصحابنا توصیف کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۳). از احمد بن محمد بن عیسی الاشعری از حسن بن محبوب السراد که از اصحاب اجماع است از حسین بن نعیم الصحاف که ثقه است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۵۴). مدت مضی عشرون که در روایات آمده به شرط لا برای نقیضه است؛ یعنی بعد از گذشت این مدت است که می توان حمل را احراز کرد به ویژه که در زمان پیشین، تکنولوژی برای شناسایی حمل پایین بوده است. اگر زن بعد از این ایام خون دید، بداند که از رحم نیست، پس غسل کند و خودش را ببندد؛ یعنی تحفظ کند تا دمی خارج نشود تا دوباره آلوده شود و نماز بخواند، سپس اگر دم از پشت کرسف بیرون نزنده بود «فلتتوضأ» و نماز بخواند و اگر طرح کرسف شد و دم سیلان پیدا کرد واجب است برای طهارتش غسل کند. امام در ذیل روایت در دوجا هم تصریح کرده که زن وضو بگیرد و در صورت عدم ثقب دم، طهارت از حدث با وضو گرفتن برای هر نماز

حاصل شده است و از اینکه حکم قلیله را مقابل کثیره آورده است یعنی، قلیله هم حدث محسوب شده است، ولی به دلیل کم بودن، صرف وضو در طهارتش کفایت می‌کند.

در صدر حدیث حضرت می‌فرماید: «خون که از بعد از گذشت ایام عادت می‌آید «لَیْسَ مِنَ الرَّجْمِ وَلَا مِنَ الظَّمِّ» است». سپس حضرت دستور به وضو می‌دهد با فاء تفریع هم بیان کرده است: «فَلْتَتَوَضَّأْ». این دلالت دارد که وضویی که واجب شده متفرع بر رؤیت دم است نه حدث دیگر؛ یعنی با دیدن خون «فَلْتَتَوَضَّأْ» نه سایر احداث دیگر آن طور که ابن عقیل فرض کرد. از طرفی اگر وضو از نظر حدث غیر از استحاضه بود چه نیازی بود که حضرت واجب کند بر زن که وضو بگیرد مادامی که محدث نشده است؛ زیرا سایر احداث تا حدی رخ نداده وضو جدید نمی‌خواهند. همه این طور هستند که تا محدث نشده‌اند با همان وضوی قبلی نماز می‌خوانند، اما چرا امام فرموده است برای هر نماز وضو بگیرند؛ زیرا وضو از نظر سایر احداث نیست، بلکه وظیفه خاصه مستحاضه قلیله است. بر اساس مبنای خوبی در مجزی بودن غسل از وضو این پاسخ را می‌دهند که زن وقتی غسل حیض را انجام داد و طهارت از حدث پیدا کرد دیگر حدی ندارد، اما اینکه امام فرمود وضو بگیر، معلوم می‌شود استحاضه قلیله حدث محسوب شده است که زن را الزام به وضو کرده‌اند. این روایت مشتمل بر جمله شرطیه است، پس تحقق جزا در صورت تحقق شرط است؛ یعنی حدوث جزا عند حدوث شرط است. بنابراین، وضو مستند به رؤیت دم است نه سبب دیگر از اسباب ناقض وضو که در جای خودش بیان شده است. همچنین در مورد زنی که دمش بعد از حیض و یا کثیره بودن استمرار دارد و به اصطلاح زنان، پاک نشده است می‌توان به دلیل استصحاب نعته اثبات حدیث کرد؛ زیرا زن سابقاً محدث بوده و الان شک دارد محدث است یا خیر استصحاب حدیث کرده و برای اتیان نماز باید وضو بگیرد. در نتیجه این صحیحه مخالف حرف ابن جنید است که می‌گوید: «اگر کرسف سوراخ نشد باید زن در شبانه‌روز یک غسل نماید» (ر.ک، درس خارج کاظم مصطفوی).





- صحیحہ معاویہ بن عمار

«عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمُسْتَحَاضَةُ تَنْظُرُ أَيَّامَهَا فَلَا تُصَلِّي فِيهَا - وَلَا يَقْرُبُهَا بَعْلُهَا - فَإِذَا جَارَتْ أَيَّامُهَا وَرَأَتْ الدَّمَ يَثْقُبُ الْكُرْسُفَ اغْتَسَلَتْ لِلظُّهْرِ وَالْعَصْرِ تَوَخَّرَ هَذِهِ وَتَعَجَّلَ هَذِهِ - وَ لِلْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ غُسْلًا تَوَخَّرَ هَذِهِ وَتَعَجَّلَ هَذِهِ - وَتَغْتَسِلُ لِلصُّبْحِ وَتَحْتَشِي وَتَسْتَنْفِرُ وَلَا تَحْنِي - وَتَضُمُّ فَخِدْيَيْهَا فِي الْمَسْجِدِ وَ سَائِرِ جَسَدِهَا خَارِجًا - وَلَا يَأْتِيهَا بَعْلُهَا أَيَّامَ قُرْبِهَا - وَإِنْ كَانَ الدَّمَ لَا يَثْقُبُ الْكُرْسُفَ تَوَضَّأَتْ - وَدَخَلَتِ الْمَسْجِدَ وَصَلَّتْ كُلَّ صَلَاةٍ بِوُضُوءٍ - وَهَذِهِ يَأْتِيهَا بَعْلُهَا إِلَّا فِي أَيَّامِ حَيْضِهَا». (جرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۷۱/۲) حدیث صحیحہ است بہ محمد بن یعقوب کلینی از عده‌ای از اصحاب امامیہ از محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری کہ امامی و ثقہ هستند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۶)، از فضل بن شاذان نیشابوری کہ ثقہ است، از حماد بن عیسی الجحنی کہ در رجال نجاشی وی را از اصحاب اجماع دانسته، از ابن ابی عمیر و ایشان ہم از معاویہ بن عمارالدہنی کہ در وی ثویق دارد (طوسی، بی تا، ص ۱۶۶). این صحیحہ دلالت بر وجوب وضو در مستحاضہ قلیلہ دارد بہ سه بیان: اول، در این روایات ہم استحاضہ قلیلہ درمقابل استحاضہ کثیرہ قرار داده شدہ است. بنابراین، بہ قرینہ مقابلہ اثبات می شود، همان طور کہ کثیرہ حدث است قلیلہ ہم حدث محسوب می شود و ہرکدام از این اقسام استحاضہ وظیفہ جداگانہ دارند. در قلیلہ، وجوب وضو و در کثیرہ، وجوب غسل متعین است.

دوم، این صحیحہ مثل روایت نعیم بن صحاف مشتمل بر جملہ شرطیہ است: «وَإِنْ كَانَ الدَّمَ لَا يَثْقُبُ الْكُرْسُفَ تَوَضَّأَتْ»، پس معلوم می شود تحقق جزا در صورت تحقق شرط است؛ یعنی عند حدوث شرط حدوث جزاست؛ یعنی جزا تفریع شدہ بر شرط و فقط جزا مستند بہ تحقق شرط شدہ است. بنابراین، وضو واجب است و مستند است بہ رؤیت دم استحاضہ نہ سبب دیگر از اسباب وضو. سوم، اگر وضو مستند بہ سایر اسباب بود وضو گرفتن برای ہر صلاتی واجب نبود، بلکہ کفایت می کرد یک بار وضو گرفتن مادامی کہ رفع طہارت بہ نواقض عامہ نشدہ است، پس معلوم شد وجوب وضو در حق این زن از سایر اسباب نیست و فقط استحاضہ است کہ امام فرمود: «برای ہر نماز وضو بگیرد»؛ یعنی خون استحاضہ قلیلہ ناقض وضوست (خویی، ۱۴۱۸، ۳۶/۷).

- صحیحہ محمد بن مسلم

«مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِذَا أَرَادَتِ الْحَائِضُ أَنْ تَغْتَسِلَ فَلْتَسْتَدْخِلْ قُطْنَةً - فَإِنْ خَرَجَ فِيهَا شَيْءٌ مِنَ الدَّمِ فَلَا تَغْتَسِلْ - وَإِنْ لَمْ تَرَ شَيْئًا فَلْتُغْتَسِلْ - وَإِنْ رَأَتْ بَعْدَ ذَلِكَ صُفْرَةً فَلْتَوَضَّ وَ لْتُصَلِّ». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۰۹/۲) مرحوم کلینی از محمد بن یحیی عطار که به شیخ فی اصحابنا توصیف شده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۳)، از احمد بن محمد بن عیسی الاشعری، از حسن بن محبوب السراد که از اصحاب اجماع است، از ابی ایوب که امامی و ثقہ است، از محمد بن مسلم بن رباح ابوجعفر الأوقص الطحان که ثقہ است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۳). حضرت می فرماید: «زن حائض در صورتی که غسل کرد اگر بعد آن چیزی - منظور دمی - دید: «فَلْتَوَضَّ وَ لْتُصَلِّ»، پس معلوم می شود وجوب وضو فرع بر دیدن خون است و مثل تقریب استدلال روایات قبل جمله به صورت شرطیه است و وقتی شرط آمد، جزا می آید» (خوبی، ۱۴۱۸).



#### ۵-۵. روایت زرارہ عن ابن جعفر

«عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الطَّامِثِ تَقَعُدُ بَعْدَ أَيَّامِهَا كَيْفَ تَصْنَعُ - قَالَ تَسْتَظْهِرُ بِيَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ ثُمَّ هِيَ مُسْتَحَاضَةٌ - فَلْتُغْتَسِلْ وَ تَسْتَوْثِقُ مِنْ نَفْسِهَا - وَ تُصَلِّي كُلَّ صَلَاةٍ بِوُضوءٍ مَا لَمْ يَنْفَدِ الدَّمُ - فَإِذَا نَفَذَ اغْتَسَلَتْ وَ صَلَّتْ». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۷۵/۲) طوسی به اسنادش از حسین بن سعید اهواری که از اجلای اصحاب هستند و سندش به ایشان صحیح است، از محمد بن خالد الاشعری که ایشان توثیق خاص ندارد، اما به قرینه کثرت اجلای ایشان توثیق عام دارد و مابقی افراد حدیث هم موثق هستند. در بررسی دلالی می توان گفت که دلالت روایت بر مدعا ظاهر است و سند روایت هم درست است هر چند مرحوم خوبی به دلیل وجود محمد بن خالد الاشعری روایت را ضعیف دانسته است (خوبی، ۱۴۱۸).

#### ۶. نتیجه گیری

از مجموع آرا و ادله های ذکر شده به نظر می رسد باتوجه به آنکه امام علیه السلام امر به تعویض پنبه را در زمان وضو گرفتن نداده، بلکه در زمان غسل کردن داده است تسری دادن وظیفه مستحاضه کثیره

در تعویض پنبه به قلیله بدون دلیل متقن و جهی ندارد. به ویژه که مستحاضه قلیله برایش دخول در مسجد مرور از مسجد جایز است برخلاف کثیره که احکامش اختلافی است و سکوت ائمه و عدم تعرض آنها به این مسئله دلیل بر عدم وجوب تغییر قطنه است. تبدیل کرسف و جوب نفسی ندارد، بلکه واجب گیری است و طریقی است برای تحصیل شرط نماز چه خون ملحق به حیض باشد که گفته شود صورت اگر کمتر از درهم باشد معفو است و یا نباشد. با واکاوی های انجام شده مشخص می شود که هیچ دلیلی بر تبدیل پنبه نیست، ولی باتوجه به طبع بشری که اقتضا دارد از خون و آلودگی ها دوری کند و همچنین طبع عموم زنان و عرف رایج بین زنان که قذارت دم درحال عبادت را شایسته بندگی ندانند رعایت احتیاط دور از بندگی نیست و چه بسا سکوت ائمه در این مورد نشانه مفروض عنه بودن همین عرف باشد. در نتیجه از باب تخفیف نجاست، تعویض قطنه مستحب مؤکد است؛ زیرا نماز با خون کمتر خوانده می شود و براساس قاعده میسور تاجایی که برای زن میسور است به امر شارع باید تحفظ کند. بنابراین، در قلیله هم حتی اگر ملحق به حائض باشد و کم و زیادش معفو نباشد تبدیل کرسف از باب تحفظ در امر شارع استحباب مؤکد است.

استحاضه حدث است و نظریه ابن عقیل پذیرفتنی نیست؛ زیرا روایات زیادی بیان شد که در آن حضرت برای مستحاضه قلیله امر به وضو کرده است. همچنین به قرینه تقابل احکام کثیره به قلیله که در صدر و ذیل روایات آمده بود نشانگر آن است که حضرات معصومین حکم قلیله را بیان کرده اند. همچنین تفریع وضو بر رؤیت دم در روایات صحیحه ای که از نظر سند و دلالت خدشه ای به آن وارد نیست و بیانگر آن بود شرط وجوب وضو رؤیت دم است. وزن مستحاضه قلیله برای رفع از حدث قلیله واجب است برای هر نماز وضو بگیرد. در نتیجه مشیر به فتوای وجوب وضو ادله ای هستند که از نظر سند، صحیح و از نظر دلالت، تمام هستند.

### فهرست منابع

\* قرآن الکریم

۱. ابن ابی عقیل، حسن بن علی (۱۴۰۶). مجموعه فتاوی ابن ابی عقیل. قم: اخلاص.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی تا). النهایه فی غریب الحدیث و الاثر. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶). المهدب. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۴. ابن جنید، محمد بن احمد (۱۴۱۶). مجموعه فتاوی ابن جنید. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵. ابن زکریا، احمد ابوالحسین (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۷. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). کتاب الطهاره. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۸. آل عصفور، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق الناضره فی احکام العترة الطاهره. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). الصحاح. تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. حسینی زبیدی، سید مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۲. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۳. حلی، علامه، حسن بن یوسف (۱۴۱۲). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۱۴. حلی، محقق، و نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۵. حلی، محقق، و نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۱۸). المختصر النافع فی فقه الامامیه. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیّه.
۱۶. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام. بیروت: دار الفکر المعاصر.
۱۷. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۸). کتاب الطهاره. قم: مؤسسه آفاق.
۱۸. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۸). التنقیح فی شرح العروه الوثقی. قم: مؤسسه احیاء اثار الامام الخوی.
۱۹. راعب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. لبنان: دار العلم.
۲۰. سار، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۰۴). المراسم العلویه و الاحکام النبویه. قم: منشورات الحرمین.
۲۱. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۲۸). المسائل الشرعیه. قم: مؤسسه نشر الفقاهه.
۲۲. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷). الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۳. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹). ذکری الشیعه فی احکام الشرعیه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۴. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۰۹). العروه الوثقی. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). الفهرست. نجف: المكتبه الرضویه.
۲۷. طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸). الوسيله الی نیل الفضیله. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۸. عاملی، جواد بن محمد (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۹. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). کشف اللثام و الایهام عن قواعد الاحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۳۱. فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: منشورات دار الرضی.
۳۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۳. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). رجال الکشی. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. المرثضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۷). المسائل الناصریات. قم: رابطہ الثقافه و العلاقات.
۳۶. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز الکتب لترجمه و النشر.
۳۷. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷). رجال النجاشی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۸. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. همدانی، آقارضا (بی تا). مصباح الفقیه. قم: المؤسسة الجعفریه لاحیاء التراث.
۴۰. همدانی، آقارضا بن محمد هادی (۱۴۱۶). مصباح الفقیه. قم: مؤسسه الجعفریه لاحیاء التراث.